



معنویت سکولار نوپدید، مصیبت‌های مدرنیته را کاهش نمی‌دهد

خسروپناه گفت: برخی تلاش کردند با پیدایش معنویت‌های نوپدید مشکلات عصر حاضر را کاهش دهند، اما حقیقت این است که معنویت‌های نوظهور مصایب مدرنیته را کاهش نمی‌دهند.

خسروپناه گفت: برخی تلاش کردند با پیدایش معنویت‌های نوپدید مشکلات عصر حاضر را کاهش دهند، اما حقیقت این است که معنویت‌های نوظهور مصایب مدرنیته را کاهش نمی‌دهند.

به گزارش خبرنگار مهر، گفتاری از حجت الاسلام دکتر عبدالحسین خسروپناه، رئیس موسسه حکمت و فلسفه ایران درمورد معنویت‌های نوپدید در پی می‌آید؛

یکی از پرسش‌های انسان معاصر، نسبت معنویت و مدرنیته است. اول باید معنای معنویت و مدرنیته مشخص شوند. مدرنیته، پدیده‌ای است که پس از رنسانس برای بشر محقق شد و دستاوردهایی را برای انسان به همراه آورد. علوم پایه، علوم انسانی، علوم مهندسی، اقتصاد، پزشکی، رسانه و معنویت از دستاوردهای مدرنیته است.

دکارت با طرح این گفته «من می‌اندیشم؛ پس هستم» به عنوان پدر مدرنیته شناخته می‌شود. سپس کانت و هگل، راه او را تکمیل کردند. قرون وسطی و مدرنیته در اینکه می‌خواستند از شک عبور کنند و به یقین برسند، مشترک‌اند آگوستین و دکارت، سیر از شک به یقین داشتند؛ اما یقین قرون وسطی، ایمانی و اشرافی و حاصل آموزه‌های مسیحیت بود و یقین مدرنیته، ریاضی و حاصل عقلانیت خودبنیاد بود.

این یقین ریاضی و خودبنیاد، برخی فلاسفه مانند دکارت و کانت را به اثبات عقلانی خدا کشاند و دسته دیگری مانند شلایرماخر، با عقلانیت مدرن به تجربه دینی و احساس معنوی کشیده شدند و گروهی مانند بولتمان، به تأویل‌گرایی متن مقدس رو آوردند. مرگ خدای نیچه، به عنوان پدر پست‌مدرن نیز زاینده عقلانیت مدرنیته است.

معنویت به معنای منسوب به عالم معنا و عالم باطن و در برابر مادیت و امر ظاهری است. امور معنوی عبارت از حقایق روحانی و اخلاقی و اخروی است. شخص معنوی، کسی است که به ساحت‌های عالم باطن راه می‌یابد و مراحل آرامش و اطمینان و امید و تعالی را طی می‌کند.

معنویت را می‌توان به سکولار و دینی تقسیم کرد؛ معنویت سکولار بدون بهره‌گیری از متون دینی و با استفاده از عقلانیت مدرن می‌خواهد انسان را به آرامش و امید برساند. معنویت دینی با بهره‌گیری از عقلانیت و متون دینی درصدد است تا انسان را علاوه بر آرامش و امید، به اطمینان و ایمان و تعالی و تقرب به خدای متعالی هدایت کند.

دنیای مدرن برای انسان، آسایش فراهم کرده، سرعت و دقت در محاسبه را به ارمغان آورده، ثروت و قدرت انسان در تسخیر طبیعت را بالا برده و انسان را به فضای مجازی راه داده است؛ اما همین دنیای مدرن، آرامش را از انسان گرفته، فضای حقیقی را به حاشیه رانده و فضای مجازی برای برخی انسان‌ها، زندگی اصلی شده است. خودکشی و بحران هویت و بحران خانواده و ده‌ها بحران دیگر، از دستاوردهای دنیای مدرن است.

بشر معاصر در این دوران، به ضرورت گرایش به معنویت پی برد. برخی از انسان‌ها پی بردند که به‌سوی معنویت بروند و دنیای مدرن را به‌کلی کنار بگذارند و خود را از نعمت‌های دنیوی محروم کنند. برخی تلاش کردند با پیدایش معنویت‌های نوپدیدی، مصایب مدرنیته را کاهش دهند و گروه دیگر هم به مسأله بازگشت به دین الهی رو آوردند.

معنویت‌های مدرن تنها دغدغه آرامش کنار آسایش مدرن را دارند در حالی که معنویت دینی، دغدغه آرامش و اطمینان و تقرب الهی و آخرت‌گرایی دارد و بر این نکته تأکید می‌کند که آرامش منهای خدا و آخرت، توان تأمین آرامش مستقر را ندارد؛ زیرا جامعه‌ای که خدا و آخرت نداشته باشد؛ همه‌چیز در آن مجاز است و چنین جامعه‌ای نمی‌تواند به آرامش مستقر دست یابد.

تفاوت اولیای الهی، همچون عیسی مسیح (ع) و پیامبر اسلام (ص) با دنیاگران در این است که آنها خود را فدای هدایت

جامعه می‌کردند و دنیاگران، جامعه را فدای ثروت خودشان می‌کنند.